



باید تصمیم گرفت! باید انتخاب کرد!

آذر مدرسی

توهین به شعور مردم

مظفر محمدی



انتخابات جزو آبرو باخته ی دموکراسی بورژوازی است. اما در عراق و کردستان این کار توهین به شعور مردم هم هست. درحالیکه روسای قوم میلشیاوسی خود اذعان کردند که حتی به یک رای مردم هم نیاز ندارند، چون پول واسلحه و پلیس مخفی و علنی دستشان است، طرح مجدد انتخابات پارلمانی کردستان عراق نمایشی وقیحانه و بی شرمانه است. اما چه شده احزاب ناسیونالیست حاکم باز هم به انتخابات نیاز پیدا کرده اند؟ ... صفحه ۳

اکثریت مردم محرومی که برای به زیر کشیدن آن به صحنه آمده اند خبری نیست، طیفی از نیروهای مخرب و دست راستی، به تحرک درآمده اند. نیروهایی که هرگز در تمام حیات زندگی سیاسی، جنبشی و طبقاتی شان، به نیرو و قدرت مردم و خواست های آنها، نه تنها اعتماد و اعتقادی نداشته اند، که همیشه ۱۸۰ درجه خلاف آن حرکت کرده اند، به وسط میدان برای ایفای نقش در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی، و عیان شدن این واقعیت که در این سیر از عقب نشینی

چند هفته اخیر شاهد اتفاقات هشدار دهنده ای در سیاست ایران بودیم. تشدید تحرک نیروهای ناسیونالیست و قومی، حمله مسلحانه در اهواز، درگیری در بلوچستان از یکطرف و تشدید حملات نظامی جمهوری اسلامی، دستگیری های وسیع به بهانه های "مقابله با تروریسم" و "دفاع از امنیت" و امنیتی کردن فضای شهرها از سوی دیگر هستیم. اتفاقاتی که اگر از هم اکنون در مقابل آنها آماده نبود و سدی نبست میتوانست سرآغاز روندی مخرب و خطرناک در سیر اوضاع در ایران باشند. خیزش دیمه را همه به حق آغاز پایان حاکمیت جمهوری اسلامی نامیدند. خیزشی که تمام قد نفرت اکثریت محرومان را نه فقط از جمهوری اسلامی که از سیستمی که بانی فقر، گرانی، استثمار و استبداد است، منعکس کرد. این زنگ خطری بود برای کل بورژوازی ایران چه در حاکمیت چه در اپوزیسیون. آن زنگ خطری که نیروهای ارتجاعی از جمهوری اسلامی

حکمتیست ۲۲۷

۱ اکتبر ۲۰۱۸ - ۹ مهر ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود

وقتی "کرمینه ها" پروانه

میشوند!

در "جدال با سوسیالیسم در ایران"

قسمت دوم

ثریا شهابی

از سرتیتر خبرها بخوانید! "شاهزاده رضا پهلوی، توییت اعلام موجودیت شبکه "فرشگرد" را ریتوییت کرد" در کتاب دانستی های طبیعت نوشته شده است که: پروانه ابتدا تخم ای است که به کرم تبدیل میشود و سپس این کرمینه مقدار زیادی برگ میخورد تا وارد مرحله "انزوا" و ریاضت کشیدن بشود. به این منظور دور خودش پيله می پیچد و مدتی در آن بدون غذا زندگی میکند و در مرحله آخر به صورت یک پروانه زیبا با ظرافت و رنگ های شگفت آور از پيله بیرون می آیند و در اینجا است که به بلوغ رسیده است! این وصف حال جریانی در دنیای سیاست ایران است که امروز از انزوا و پيله خارج و به تولد پدیده ای بنام "فرشگرد" یا "احیا"، رسیده است. "فرشگرد" جریانی متشکل از تعدادی از هواداران ایرانی ترامپ و راست افراطی آمریکا است، که اول و آخر هویت اش احیا گذشته، به کمک عضله های ترامپ، ماشین جنگی ناتو، و قدرت تخریبی شورای امنیت سازمان ملل است! تا "ایران را پس بگیرد" و به "صاحبان اصلی اش" که چهل سال در پيله مشغول "ریاضت کشی" برای رسیدن به اعتلا امروز بودند، باز پس بدهد! این وصف حال جنبش راست پروغرب ایران، به رهبری آقای پهلوی است. با این تفاوت که این پروانه تازه از پيله به بیرون پرواز کرده، ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

باید تصمیم ...

نیروهایی که از پادویی بوش تا ترامپ، از حمایت دیروزشان از حمله نظامی به ایران تا حمایت امروزشان از تحریمهای اقتصادی، البته از نوع "هوشمند" آن، از افتخاراتشان است، لاشه بی رمقشان را در زوروق "ایران را پس میگیرم"، "زنده باد جنبش کردستان" و... پیچیده و وارد صحنه شدند. با روشن شدن اینکه در این دوره در کیس ایران "حمله نظامی" و صدور "حقوق بشر" و "دمکراسی" با تکرار مدل افغانستان، عراق و لیبی، نزد صاحبین این پروژه ها در دستور نیست و سیاست های دیروز جای خود را به سیاست "حمایت از اپوزیسیون داخلی" و سناریوی "باید از داخل ایران کاری کرد" داده است، نامربوط ترین و حاشیه ای ترین باندها و جریانات سیاسی را به ایفای نقش در جنگ جاری محرومین در ایران با حاکمیت، کشانده است. در این میدان قوم پرستان و ناسیونالیست ها، ستارگان اپوزیسیون های مخرب راست ایران اند. در این شرایط و در ضعف یک آلترناتیو چپ، سوسیالیستی و مردمی، قدرتمند و آماده کسب قدرت سیاسی که بتواند توده محروم بپاخاسته را سازمان دهد و به پیروزی برساند، نیروهای ارتجاعی قومی و مذهبی از ناسیونال-فاشیستهای عظمت طلب ایرانی تا نیروها و باندهای

قومی در خوزستان، بلوچستان و کردستان، که رسماً رسالت کشاندن جنگ نیابتی به کردستان را به عهده گرفته اند، میتوانند برای مقابله با این جنبش و سهم گرفتن از آینده سیاهی که در تدارکش هستند، نقشی ایفا کنند. در مقابل نیروهای قومی برای دامن زدن به تفرقه قومی میان مردم در کردستان، خوزستان و بلوچستان، از طرف دیگر جمهوری اسلامی و ناسیونال - فاشیستهای در اپوزیسیون با دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی ایرانی که "فرزندان ایران را شهید کردند" و یا در دفاع از "تمامیت ارضی ایران" به میدان آمده اند. کشمکش نیروهای ارتجاعی، میدانی است که در آن قرار است قربانیانش مردم محرومی باشند که مهر کرد، عرب، فارس، ترک و بلوچ را بر پیشانی شان زده اند. کشمکشی که قرار است مبارزه مشترک کارگران فولاد اهواز، هفت تپه، کارگران در کردستان، خودرو سازی ساوه، کارگران نفت کرمانشاه، مبارزه معلم و پرستار و مردم محروم در سنج، تهران، اهواز، شیراز و تبریز را به جنگی قومی بر سر هویت کاذب و کثیف قوم کرد و فارس و ترک و عرب تبدیل کند. قرار است این کشمکش و تفرقه قومی بر جنبش اعتراضی طبقه کارگر و مردم محروم سایه بیندازد، آنرا به حاشیه براند و دستمایه عقب زدن،

سرکوب و مقابله با جنبش انقلابی مردم از طرف جمهوری اسلامی باشد. اگر در مقابل آینده مردم در ایران و مبارزه و تلاش شان برای خلاصی از حاکمیت جمهوری اسلامی و جنگ شان برای دستیابی به آزادی، برابری، رفاه و امنیت، مخاطره ای وجود داشته باشد، همین تحرکات در کمپ ارتجاع بورژوازی است. حساب جمهوری اسلامی و باندها جنایی و تحرکات میلیتاریستی اش علیه مردم ایران، روشن است. حساب این دشمنان در صف دوستان مردم را هم باید روشن کرد. باید صف خود را از این نیروهای ارتجاعی جدا کرد. باید در مقابل این تحرکات ایستاد و اعلام کرد "از آن ما نیست!". در مقابل هویت قومی دست ساز بورژوازی کرد، ترک، عرب، فارس هویت انسانی و طبقاتی مان را اعلام کنیم. باید هرچه سریعتر و هرچه وسیعتر شوراها را در محل کار و زندگی تشکیل داد و اتحاد خود را علیه کل این کمپ ارتجاع حفظ کرد. باید زیر پرچمی رادیکال متحد شد، راه متفاوت خود را در تقابل با جمهوری کشیدن کل این نظام و سیستم را تضمین کرد. باید آن وضعی که این جریانات ارتجاعی بر روی آن سرمایه گذاری میکنند، یعنی ضعف سازمانیابی و اعمال قدرت سازمان یافته، هماهنگ و همبسته محرومین، را فوراً برطرف کرد و خود را

قدرتمند کرد. تنها قدرتمند شدن ما، طبقه کارگر، محرومین و محکومین و میلیونها مردم تشنه آزادی، رفاه و امنیت، میتواند پروژه های مخرب در اپوزیسیون و عواقب زیانبار آن را به بیرون از جامعه پرت کند. تنها ما میتوانیم این ها را ایزوله کنیم. جریانات راست و بورژوازی که به امید ائتلاف و اتحاد و دیپلماسی با جریانات قوم پرست سناریو سیاهی، برای خنثی کردن عواقب زیانبار پرچم و جنبش سیاسی شان، دل بسته اند، تنها و تنها زمینه ساز تقویت و قدرت یابی بیشتر آنها هستند. ارتجاع، محلی یا بین المللی را باید منزوی کرد و از سوخت و ساز سیاسی جامعه به قدرت خود، به بیرون پرت شان کرد. باید حول پرچم و منشور سرنگونی خود، که در مقابل تحرکات سناریو سیاهی، چه برخاسته از درون حکومت و چه از درون اپوزیسیون، سد محکمی می بندد و شرایط پیروزی را فراهم میکند، متحد و متشکل شد. شرایطی که تنها و تنها در آن شرایط میتوان تصور کرد که مردم در ایران بتوانند آزادانه و آگاهانه نظام حکومتی آینده خود را انتخاب و معلوم کنند. "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" پرچم طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در مبارزه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است. سرنگونی که مهمترین قدمهای آن اعلام انحلال جمهوری اسلامی و دستگیری سران آن، انحلال و

خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی و مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، انحلال کامل وزارت اطلاعات و "حوزه های علمیه"، اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش، لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند، اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی، اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، حزب و اعتصاب، اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد، اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو تمام پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه، لغو تمام کمکهای مالی و نظامی به دسته های قومی و مذهبی، تضمین بیمه بیکاری برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال و بالاخره ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه، است. متحد شدن حول این منشور و تبدیل آن به پرچم خود تنها راه سد بستن در مقابل نیروهایی است که در مقابل مبارزه مردم برای آزادی، رفاه، امنیت، سعادت و عدالت اجتماعی صف کشیده اند.

زنده باد انقلاب کارگری!

توهین به شعور ...

بورژوازی در هرلباسی، ملی و قومی، مذهبی، عشیره ای و متمدن و نامتمدن شان در سراسر جهان، هر از گاهی و هر چند سال یک بار، استثمار شوندهگان و ستمدیدگان را پای صندوقهای رای فرا می خوانند و میلیون ها دلار به مصرف خروارها دروغ و فریبکاری می رسانند تا به دیکتاتوری بورژوایی شان به نام دمکراسی مشروعیت دهند.

اما در عراق و کردستان اش حتی شورتر از این ها است. چندی پیش روسای عشایر و قبایل و مذاهب عراق هم نمایش انتخابات راه انداختند و در حالیکه بخش عظیمی از کارگران و مردم عراق در انتخابات مسخره شان شرکت نکردند اما باز به اصطلاح نمایندگان خود را از صندوقهای رای در آوردند. بعد از گذشت چند ماه از انتخابات هنوز سر تقسیم قدرت و ثروت به توافق نرسیده و به اصطلاح دولت قومی - مذهبی و عشیره ای شان را تشکیل نداده اند.

دیروز در کردستان عراق هم باز نمایندگان دروغین خود را از صندوقهای نمایشی رای بیرون کشیدند و این تازه آغاز یک کشمکش دیگر برسر تقسیم قدرت و ثروت

بین دو حزب اصلی قومی و ملیشیبایی است.

احزاب و جریانات دیگر در حاشیه این نمایش شرم آور طبق معمول به دریسوزگی سهمی از قدرت و ثروت به تشویق مردم به انتخابات پرداختند. سهمی از خوان یغمای ثروت جامعه که آنها را در جرم و جنایات و فساد و دزدی های احزاب ملیشیبایی قلدر شریک می کند.

انتخابات فرمایشی و اهانت به ستمدیدگان در عراق و کردستان انجام شد. اما چه در عراق و چه کردستان، حتی این مشروعیت کاذب نتوانسته و نمی تواند احزاب و جریانات قومی و مذهبی و عشیرتی را بر سر تقسیم سهامشان به توافق برساند.

پارلمان عراق و کردستان همواره محل مرافعه ی نمایندگان ملاک و سرمایه داران و غاصبان داراییهای جامعه بوده و سر سهم بیشتر از این خوان یغما پاچه همدیگر را گاز گرفته اند.

در کردستان عراق، احزاب ملیشیبایی حتی با وجود نمایش انتخابات و مشروعیت کاذب، حتی نیازی به تشکیل پارلمان نیست. احزاب ملیشیبایی بدون پارلمان هم سالها است، به حاکمیت خود و بالا کشیدن ثروت جامعه و در

فقر نگه داشتن مردم ادامه داده و می دهند. در مملکت و اقلیمی که هنوز ابتدایی ترین نیاز جامعه مثل آب و برق مردم تامین نیست، صحبت از پارلمان و دولت و قانون یک بی شرمی و وقاحت مطلق است.

یک سال قبل، مردم کردستان در یک رفراندوم به جدایی از عراق فدرال قومی و مذهبی رای دادند. این رای با مخالفت بخشی از احزاب ناسیونالیست کرد مواجه شده و بخش دیگر ابتدا به استفاده ابزاری از رای مردم روی آورد و خیلی زود از کرده خود پشیمان شده و این رای به بایگانی سپرده شد.

حکومت فاشیستی بغداد هم به این بهانه در یک حمله نظامی با همراهی ملیشیبایی حشد شعبی سپاه قدس جمهوری اسلامی پیش از نصف اقلیم کردستان را ضمیمه ی عراق کرده و احزاب ناسیونالیست را به تسلیم واداشت. حکومت بغداد و قاسم سلیمانی با این

تعرض وحشیانه، مجددا نفرت قومی و مذهبی را بین مردم این مناطق دامن زده و بخشی از مردم را به نام کرد و سنی تحت فشار قرار داده، خانه هایشان را به آتش کشیده و آوارگی و بی خانمانی را به آن ها تحمیل کرد. این جنایات در سکوت احزاب ملیشیبایی بی آبرو

بخشا با همکاری این احزاب انجام شد.

اکنون مردم کردستان حق دارند از احزاب ملیشیبایی و قلدر و فاسد بپرسند، مرزهای اقلیم کردستان کجا است؟ ولی این احزاب نیازی به تعیین محدوده ی اقلیم شان ندارند، چرا که با نگه داشتن کردستان در حاکمیت فدرال قومی و مذهبی عراق هم سهم خود را از دولت مرکزی می گیرند و هم منابع نفت و گاز و املاک و داراییهای کردستان را در کنترل خود دارند. در این مسابقه ی غارت جامعه نیازی به حدود و ثغور و حتی نیازی به موضوعی به نام اقلیم کردستان نیست.

اما در این میان مساله دردناک بی اراده شدن و تسلیم بخشی از مردم به نمایش مسخره و توهین آمیز انتخابات پارلمانی و حاکمیت ملیشیبایی امتحان پس داده و آبرویافته چه در عراق و چه در کردستان است.

آن بخش مردم هم که در این نمایش شرکت نکردند، موضعی پاسیو داشته و بدون آلترناتیو و سازمان و اتحاد و رهبری واقعی خود هستند. کمونیست ها، کارگران و محرومان کردستان عراق با وجودیکه اعتراضات و خیزشهای توده ای وسیعی را پشت سر دارند، اما هنوز

فاقد شرایط قدهلم کردن برای کسب قدرت و تشکیل جامعه ی متمدن و آزاد و برابر هستند.

زمانی که در همین روزها کمونیستها و فعالین جنبش آزادی و استقلال کردستان، سر مخالفت با انتخابات کاذب پارلمان کردستان دستگیر می شوند، هنوز اعتراض اجتماعی وسیعی علیه این تعرض بیشرمانه و سرکوب عریان پلیس و ملیشیبای احزاب حاکم انجام نمی گردد.

اما این سرنوشت محتوم مردم عراق و کردستان نیست. سرنوشتی که تنها و تنها با عزم و تصمیم کمونیست ها، آزادیخواهان و برابری طلبانی می تواند تغییر کند که کارگران و محرومان و ستمدیدگان را صاحب سازمان و اتحاد و رهبری خود کنند. شوراهای کارگری و مردمی محل های کار و زندگی را تشکیل دهند و این نیروی عظیم اجتماعی ناراضی و معترض اما مستاصل را صاحب اراده و نقشه و افق سیاسی روشن و سازماندهی بدیلی در مقابل چند دهه حاکمیت ناسیونالیست ها، عشایر و ملاک و سرمایه داران دزد و فاسد و زورگو، کنند.

مرک بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خراسم)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

میکنند، را امروز باید افشا و منزوی کرد! این پروژه و این آلترناتیو سازی جدید کمپ ترامپ و ناتو، دوام چندانی نخواهد آورد. بازار گرمی این مانور هم، بزودی ارزش مصرف خود را از دست میدهد. خود این طیف اهمیت چندانی ندارند. آنچه که حایز اهمیت است، حمایت آقای پهلوی از این جریان و امید بستن به آن است!

این جا نقطه ای است که سرنوشت راست پروغرب را تمام قد در مقابل چشم همگان قرار میدهد.

کسی را نشان میدهد. دیمه سوت آغاز میدان داری جنبش محرومین است! سوسیالیسم آرمان احقاق حق این بخش دهها میلیونی از جامعه است که در "وطن" اش "مال" و "ملک" خاندان پهلوی باشد یا خمینی و خامنه ای و "مقام معظم"، در جامعه "آزاد" و آرمانی راست ایران، سهم اش بردگی مزدی، فقر و بی مسکنی و بی دارویی و بی ارزشی و تحقیر خود و کودکان اش است! کسانی که به ارمانهای انسانی، رفاه و برابری طلبانه آنها حمله

اجباری و قتل عام میلیونی را دمکراسی پارلمانی "جهان آزاد" متولد کرد! رد پا و جای زخم دو جنگ جهانی در فاصله کمتر از دو دهه که سراسر اروپا را به آتش کشید و صدها میلیون کشته و زخمی برجای گذاشت و صدها شهر و روستا را بر سر ساکنین آن خراب کرد، که همه از معجزات و محصولات "دمکراسی" پارلمانی و "جهان آزاد" قبله این طیف است، هنوز بر پیکر بازماندگانش زنده است! آن وقت این رگه گنبدیده راست افراطی تحت نام "ارتجاع سرخ"، جنبش سوسیالیستی و کمونیستی در ایران را "ویرانگر" و "زیانبار" می فرمایند! شکر میل میکنند که آرمان خواهی طبقه کارگر سوسیالیست در ایران را ارتجاع سرخ می نامند. جنبش چپ و سوسیالیستی در ایران، قوی و ریشه دار است. یک صد سال سلطنت های پهلوی ها و جمهوری اسلامی و خمینی ها و خامنه ای ها قادر به خفه کردن آن نشد. "فرشگرد" پروانه سمی، گذرا و مردنی است. آقای پهلوی اما بی احتیاطی فرمودند و زود از پیله خارج شدند. "فرشگرد" پرچم اعلام یک هویت شفاف از طرف راست است. ما حق داشتیم بگویم که فاصله و جدال با سوسیالیسم در ایران، عمق آزادیخواهی هر

میکنند، نشان میدهد که کدام جریان دل به چه نوع سرنگونی و چه نوع "جامعه آزادی" دوخته است. توقع از "جنبش راست" ایران در مورد "آزادیخواه" بودن و برآورده کردن خواست های توده های محروم، همواره ناموجه بوده است. این تازگی ندارد. اما آنچه که نو و نوآوری و پروانه خارج شده از پیله است، بیان رسمی اعلیحضرت محمد رضا شاه ایران و "ایرانی متعلق به ایشان است" که در آن "داشتن عقیده و مرام اشتراکی"، یعنی فقط اعتقاد به جامعه ای که در آن تضاد طبقاتی وجود نداشته باشد، اعتقاد به سوسیالیسم و کمونیسم، حکم اعدام داشت و بسیاری چون گلبرگی ها و دانشیان ها به این دلیل شکنجه و اعدام شدند! جامعه ای که در آن اعتصاب نه تنها ممنوع بود که کارگر اعتصابی به رگبار بسته می شد! به صف بندی های شفاف، جبهه بندی های روشن و قطبی و "بی تعارف"، در ایران پس از جمهوری اسلامی ایران و در سیر سرنگونی آن، خوش آمدید! راست و چپ، در شفاف ترین شکل، خود و خواستهای خود را بیان میکنند. این را باید به فال نیک گرفت! به راست ایرانی بازگردیم! فاشیسم هیتلری، کوره های آدم سوزی و اردوی کار

یعنی تشکیل "فرشگرد"، از نوع آن پروانه های سمی است که اخیرا در انگلستان وزارت بهداشت در مورد خطر آن هشدار داده است. و "در این هشدار عمومی از مردم خواسته شده به این کرم ابریشم دست نزنند و در صورت تماس به مراکز پزشکی مراجعه کنند" "فرشگرد"، در بیانیه اعلام موجودیت اش نوشته است که: "ما با اسلام سیاسی و ایدئولوژی های کمونیستی (ارتجاع سرخ و سیاه) مرزبندی مشخص داریم و معتقدیم این ایدئولوژی ها، در گذشته، حال و آینده ایران، زیانبار و ویرانگر بوده اند و خواهند بود. ما به نقش کلیدی و محوری شاهزاده رضا پهلوی در اتصال همه بخش های جامعه ایران و اتحاد مخالفان سکولار-دموکرات جمهوری اسلامی باور داریم و معتقدیم در دوران گذار، حضور وی در میانه میدان، کمک شایانی خواهد بود به همستگی ملی، حفظ کیان و یکپارچگی کشور و گذار آرام و سالم از نظام مستبد دینی به حکومتی دموکراتیک و سکولار." دمکراتیک و سکولار و آزاد و آباد و ... همه و همه تعارفات رایج در همه اپوزیسیون ها است! محتوای پلاتفرم های سیاسی و جنبش ها و طبقاتی که احزاب و جریانات سیاسی به آن تکیه

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!